بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد مرتد 1](#_Toc427751923)

[مرور بحث پیشین 1](#_Toc427751924)

[صدق ارتداد 1](#_Toc427751925)

[قول به‌کفایت اسلام تبعی 2](#_Toc427751926)

[استدلال قول اول 2](#_Toc427751927)

[بحث اخلاقی نهج‌البلاغه 2](#_Toc427751928)

[نشانه‌های اولیاءالله 3](#_Toc427751929)

[ملاک اصلی اولیای الهی 3](#_Toc427751930)

# حد مرتد

# مرور بحث پیشین

در جلسه سابق درباره تعریف مرتد و قیودی که در او ملحوظ است، مطالبی بیان شد و گفته شد که در قبال مرتد فطری اختلاف‌نظرها و آراء مختلفی وجود دارد که ملاک اسلام یکی از والدین حین انعقاد باشد یا تولد یا احتمالاتی دیگر.

## صدق ارتداد

سؤالی که در اینجا وجود دارد، این است که ملاک صدق ارتداد از اسلام ارتداد از اسلام تبعی او از یکی از والدین است یا اینکه مراد اسلام انتخابی خود اوست؟

ثمره بحث درجایی ظاهر می‌شود که فرد تازه به سن بلوغ رسیده است و عمل عبادی‌ای انجام نداده، این فرد بنا بر وجه اسلام تبعی اگر منکر ضروریات شود، مرتد خواهد بود نه وجه دیگر. در این زمینه اختلاف‌نظر وجود دارد، قول مشهور این است که اسلام در اینجا باید انتخاب‌شده باشد، ظاهر کلام آقای فاضل و امام و تعداد زیادی از بزرگان نیز همین است که در اینجا اظهار اسلام لازم است.

## قول به‌کفایت اسلام تبعی

اما قول دوم قائل به‌کفایت اسلام تبعی اوست و او را مشمول اطلاق ادله می‌داند، در میان معاصرین، آقای تبریزی همین قول را پذیرفتند، چراکه می‌گویند کلمه اسلام ر کسی که دارای اسلام تبعی است، صادق است و با این صدق مشمول ادله می‌شود.

در ادله نیز آنچه به چشم می‌خورد تعبیر به ارتداد از اسلام است نه چیزی بیشتر، پس برای قائلین قول اول که شرطی زائد دارند، نیاز به وجود دلیل است. به‌عنوان‌مثال در روایات چنین تعبیری وجود دارد که؛

**«کلُّ مُسْلِمٍ بَینَ مُسْلِمَینِ ارْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَام»[[1]](#footnote-1)**

یا در روایتی دیگر این‌گونه است که؛

**«الْحُسَینُ بْنُ سَعِیدٍ قَالَ قَرَأْتُ بِخَطِّ رَجُلٍ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا ع رَجُلٌ وُلِدَ عَلَی الْإِسْلَامِ ثُمَّ کفَرَ»[[2]](#footnote-2)**

بسیاری وجود این اطلاق را پذیرفته‌اند.

## استدلال قول اول

استدلالی که قائلین به قول اول یعنی امام، آقای خویی، آقای فاضل، صاحب جواهر، محقق و افراد دیگری بدان تمسک کرده‌اند، این‌گونه است که؛

ظهور اولیه اسلام این است که اسلام منتخب باشد و الا دلیل از آن انصراف دارد. پس مهم‌ترین وجهی که می‌شود برای ادعای آنان ذکر کرد همان ادعای انصراف است. چراکه اسلام بر دو نوع است؛ حقیقی و مجازی و شمولیت دلیل نسبت به مجازی در موارد مختلف نیازمند دلیل است. و ظاهر ارتداد از اسلام که در روایت گفته‌شده، اسلام حقیقی است نه اسلام مجازی.

### بحث اخلاقی نهج‌البلاغه

چند جمله از کلمات قصار نهج‌البلاغه کلمه 432 انتخاب‌شده است که در آنجا امام می‌فرماید؛

 **«وَ قَالَ علیه السلام إِنَّ أَوْلِیاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِینَ نَظَرُوا إِلَی بَاطِنِ الدُّنْیا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَی ظَاهِرِهَا وَ اشْتَغَلُوا بِآجِلِهَا إِذَا اشْتَغَلَ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا خَشُوا أَنْ یمِیتَهُمْ وَ تَرَکوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَیتْرُکهُمْ وَ رَأَوُا اسْتِکثَارَ غَیرِهِمْ مِنْهَا اسْتِقْلَالًا وَ دَرَکهُمْ لَهَا فَوْتاً أَعْدَاءُ»[[3]](#footnote-3)**

اما در اینجا چند خصوصیت ذکر می‌کنند که اولیاءالله دارای پویند قوی‌ای باخدای خود بوده، تحت ولایت او قرارگرفته و از درجات ایمانی بالا و از محبتی عمیقی نسبت به حضرت حق برخوردارند.

### نشانه‌های اولیاءالله

اولین نشانه‌ای که حضرت ذکر می‌کنند این است که اولیای خدا کسانی هستند که وقتی مردم به ظواهر دنیا اشتغال دارند، آن‌ها باطن دنیا را می‌بینند. یعنی دنیایی که‌اتم، کهکشان‌ها، ستاره‌ها و قوانین پیچیده حاکم بر ماده و طبیعت و انرژی دارد، همه نسبت به آنچه در دین مطرح است ظاهر دنیا است و وقتی مردم نگاهشان به‌ظاهر دنیاست آن‌ها باطن دنیا را می‌بینند.

در اولین نگاه بینش فرد و پس‌ازآن عمل فرد است که رابطه بین او و خدایش را می‌سازد.

### ملاک اصلی اولیای الهی

در ملاک اصلی زندگی اولیاء خدا این است که در جهان‌بینی خود باطن نگری دارند و توجه به عاقبت امر و جهان زودگذر دارند، قبل از اینکه مقامات، راحتی و ملال دنیا او را به زمین بزند، او آن‌ها را به زمین زده است.

1. **- الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 6، ص: 174.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- تهذیب الأحکام؛ ج 10، ص: 139.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- نهج البلاغة؛ ص: 494.** [↑](#footnote-ref-3)